

لبخند و خنده در ادبیات و هنر سانسکریت و ادیان هند^۱

محب علی آبسالان^۲

استادیار گروه ادیان و عرفان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران

چکیده

لبخند و خنده در ادبیات و هنر سانسکریت پیوند مستقیم با حیات کیهانی دارد. در روایت‌های اساطیری لبخند و خنده خدایان جزء آموزه‌های بشری است. نمودهای این دو خصیصه گاهی چنان مبهم است که تبیین منطقی آن دشوار به نظر می‌رسد. حال باید دید که راز لبخند و خنده در تمثیل چه مفهومی دارند؟ آیا زیباشناسی هنری است؟ یا جلوه‌هایی از مفاهیم قدسی که حیات فکری ادیان هند را می‌سازند؟ آئین هندوی لبخند و خنده خدایان و انسان را می‌پذیرد و آنها را با رهایی از چرخه حیات یا سمساره مرتبط می‌داند. آئین جینی به نفی خنده و تحدید لبخند می‌پردازد زیرا خنده ناآگاهانه شک‌برانگیز است و چرخه حیات را دشوار می‌سازد. آئین بودایی لبخند را به دو ویژگی لبخند ظاهری و باطنی تبدیل می‌کند که متعلق به خدایان و انسان می‌باشند اما خنده متعلق به انسان‌های کامل است که بر اثر آگاهی از حقیقت رنج و سمساره به نیروانا و دانش مطلق رسیده‌اند.

کلیدواژه‌ها

لبخند و خنده، زبان سانسکریت، هنر، آئین هندوی، آئین جینی، آئین بودایی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱۲

۲. پست الکترونیک: mabsalan@theo.usb.ac.ir

مقدمه

تاریخ زبان و ادبیات سانسکریت^۱ با انتقال شفاهی وداها در هزاره دوم قبل از میلاد شروع شد و از طریق سنت شفاهی حماسه‌های بزرگ ادامه یافت. عصر طلائی ادبیات کلاسیک سانسکریت از قرن سوم تا قرن هشتم می‌باشد که عمدتاً ادبیات دینی ادیان بزرگ آئین هندویی، آئین جینی، آئین بودایی را تشکیل می‌دهند. این ادبیات نقش فوق‌العاده‌ای در حیات معنوی و دینی مردم دارد. به این زبان به خط «دوناگری»^۲ نوشته می‌شود که به معنای مکتوب خدایان و یا زبان خدایان است که واژگان و اصطلاحات آن قدسی و رمزگونه قلمداد می‌شوند. بنابراین تبلور احساسات و شیفتگی‌ها در هند صبغه تاریخی - اعتقادی دارد که جلوه‌ای آن را در حکایت‌ها، اشعار، شمایل، نگاره‌ها، سنگ نبشته‌ها و بناهای بجا مانده از اعصار گذشته می‌بینیم. هر کدام از این آثار مجموعه‌ای تجسم یافته از زبان خدایان را به تصویر کشانده‌اند. حالت و سبک لبخند یا خنده و توصیف‌های زیباگرایانه که از ویژگی‌های خدایان به شمار می‌رود نوعی تجسمی خلاق در بیان از هیجانانگیزانه است. اما تفاوت‌های ظریف و رمز و راز این دو خصیصه گاهی انسان را در مواجهه با آثار به جا مانده دچار شک و تردید می‌نماید. لبخند و خنده بیان نوعی احساس است که می‌توان آنها را هم به فرشتگان و هم به شیاطین نسبت داد زیرا فهم تشخیص و تفکیک لبخند و خنده واقعی، سالم، نیروبخش، آرامش بخش که به لحاظ احساس درونی به آن می‌توان لبخند و خنده مثبت گفته شود و لبخند و خنده غم‌انگیز که در آن احساس انتقام، تمسخر وجود دارد و به آن می‌توان لبخند و خنده منفی گفت به سادگی امکان‌پذیر نمی‌باشند. قطعاً دهان اغواءکننده است و به عنوان محل بیان لبخند، خنده و بیان رنج‌ها، منبع خیر و شر و احساسات گوناگون است که در ادبیات سانسکریت دیده می‌شود. امروزه لبخند و خنده راهبان و برهمنان مفهومی معماگونه دارد که مردم عادی گاهی از تفسیر آن عاجزند. مسلماً عناصر تشکیل دهنده لبخند و خنده، دندان‌ها، لب‌ها و حالت صورت هستند اما توصیف این سه عنصر دارای رموز متعددی هستند که به سادگی قابل تفسیر نمی‌باشد.

۱. Saṃskṛtam संस्कृतम् یا Sanskrit

۲. Devanāgarī

لبخند و خنده در ادبیات

در زبان دینی سانسکریت واژگان و دستورالعمل‌هایی دیده می‌شود که به لبخند و خنده اشاره دارند. محققان زبان‌شناس و ادیان‌شناسان هند برای درک و فهم این متن به سراغ دستور زبان پیچیده و عمیق نحوی مشهور، پانینی^۱ می‌روند تا بتوانند دقیق‌تر به تفسیر ترکیبات و واژگان این زبان بپردازند. در این گرامر با شادمانی‌های حیرت‌انگیز و شوخی‌های شگفت‌انگیز مواجه می‌شویم که غالباً ترکیبات واژه «اسمی»^۲ می‌باشند که کیهانی دارند. در گرامر پانینی با اضافه نمودن "h" به فعل /اسمی با ترکیب «اسمین»^۳ که به معنای شادمانی آرام و لبخند ملایم می‌باشد، مواجه می‌شویم. هم‌چنین در این زبان ترکیبات «اسمایاته»^۴ به معنای «او لبخند می‌زند» بکار رفته است که اشاره مستقیم به لبخند خدایان دارد. بر طبق ادبیات سانسکریت این دو خصیصه را می‌توان به شش حالت طبقه‌بندی نمود: لبخند ملایم،^۵ لبخند،^۶ خنده،^۷ خنده با صدای بلند،^۸ خنده بسیار بلند^۹ و خنده دیوانه‌وار.^{۱۰} و^{۱۱} دو قسم اول مناسب افرادی است که از مرتبه عالی و ممتازی برخوردار

۱. Panini: دستور زبان وی مربوط به قرن چهارم قبل از میلاد مسیح که از ۳۹۵۹ سوتره ترکیب یافته و اثر معروف در شناخت زبان سانسکریت است. آن را پانینییا paniniya نیز می‌نامند که قواعد صرف و نحو، ساخت واژه‌گاه و معناشناسی را در خود گنجانده است.

۲. Smi

۳. Smin

۴. Smayate

۵. Smita: برجستگی گونه‌ها که دندان‌ها را نشان نمی‌دهد و نگاهی بشاش گونه‌ایی را به همراه دارد.
۶. Hasita: شکوفا شدن دهان، چشم‌ها و گونه‌ها که اندکی از دندان‌ها قابل رویت است.
۷. Vihāsita: انقباض گونه و چشم به همراه اشک با صدای بلند و سرخی چهره.
۸. Upahasita: انبساط سوراخ‌های بینی، تمایل به نگاه و حرکت‌های نامنظم سر و شانه.
۹. Apahasita: صدای ناهنجار به همراه اشک و حرکت‌های نامنظم سر و شانه.
۱۰. Atihasita: صدای بسیار بلند به همراه اشک که برای سرگرمی و خنده می‌باشد و چشمان از حدقه می‌آید.

۱۱. Regnaud Paul, La Rhétorique sanskrite exposée dans son développement historique et ses rapports avec la La Rhétorique classique, suivie des textes inédits-de Bharatiya-Natya-Castra (6e et 7e chapitres), et de La Rasatarangini de Bhanudatta, Ernest Leroux Editeur, Paris, 1884, p.307.

باشند یعنی خدایان، پادشاهان، قهرمانان که غالباً این خصیصه‌ها در چهره‌ی خدایان برتر^۱ که دارای مرتبه‌ی کیهانی هستند بیشتر مشاهده می‌شود. دو حالت بعدی برای اشخاصی که موقعیت متوسط زمینی دارند و با حرکات ناموزون سر و بدن، شادی خود را نشان می‌دهند. دو حالت آخر مرتبط به کسانی است که دارای مقام پائین اجتماعی هستند. در مه‌بهارته در جنب لبخند خدایان از کلمه‌ی هسیا^۲ نیز استفاده شده است که به معنای خندیدن می‌باشد که دندان‌ها قابل رویت و دهان و چشم‌ها بشاش می‌باشند و این ویژگی نیمه خدایان و کسانی که مقامی پائین‌تر از خدایان متعال دارند، می‌باشد.^۳ اگر چه در این تقسیم‌بندی خنده از ویژگی‌های خدایان به شمار نمی‌رود اما پادشاهان، شاهزادگان و خدایان خنده را هنگامی شروع می‌کنند که در نبرد بر علیه دشمن پیروز شوند که نوعی غرور، افتخار، فتح و برتری از سایر انسان‌ها را نشان می‌دهند. گاهی این خنده به سبب پیروزی‌هایی است که فرد در نبرد با خویشتن و رهایی از تعلقات درونی بدان دست می‌یابد. سوکا فرزند ویاسا^۴ هنگامی که آتمن خود را رها از تمام تعلقات دید به کمال معرفت رسید و شروع به خنده کرده که تنویر و رسیدن به مرتبه‌ی اشراق یا ارهت را بدنبال داشت.

اولین حالت در میان خدایان با لبخند شروع شده و بدنبال آن با ظهور اساطیر و خدایان هند خنده نیز به رفتارهای موجه آنها مبدل گردید. برهما با تجلی چهارگانه‌ی زیر لبخند را مرتبه‌ی معنوی خدایان می‌داند^۵ که ارتباط بین دنیا و متعال را می‌فهماند:

۱- نفس کشیدن برهما که ثمره‌ی آن پیدایی کتب مقدس و دهاها است.

۱. Uttama: در زبان سانسکریت به معنای "برتر" و اشاره به دنیای خدایان و خانواده‌های سلطنتی دارد.

۲. Hāsya

۳. Filliozat Pierre-Sylvain, "le sourire dans la littérature sanscrite et la statuaire de l'Inde", *Comptes rendus des séances de l'académie des inscriptions et Bells-Lettres*, Paris, 2009, N° 4, pp.1629-1635.

۴. Vyasa و Suka: حکیم سوکا فرزند حکیم ویاسا که وداها و پورانه‌ها را تنظیم نموده و ناقل بهگوت پورانه بوده و به عنوان استاد یوگا شناخته شده است.

۵. Verpoorten Jean-Marie, *Le rire de brahmadatta, roi-ermite de kampilya*, Humour, travail et science en orient: sous la direction de Théodoridès A., Naster P., Ries J. éditions peeters, Leuven, 1988, p.50.

۶. Filliozat pierre sylvain, *smile in indian and khmer art* (lecture), Indira Gandhi National Centre for the Arts, 2012, p.1.

- ۲- نگرستن موجب آفرینش پنج عنصر (زمین، آب، آتش، هوا و ائیر) گردید.
 ۳- لبخند برهما که منجر به آفرینش جاندار و بی جان از هیرنیه‌گرهه^۱ گردید و برهما در آن لحظه لبخند زد.
 ۴- مرگ و نابودی نتیجه خواب برهماست.

برهما به عنوان مرکز تطور دنیا، هستی را در نتیجه لبخند خود ایجاد نمود که مفهومی کاملاً خوش بینانه برای دستیابی به امر متعال است و موجب تسهیل چرخه حیات می‌گردد. بنابراین جذبه لبخند مجسمه‌ها و تماثیل در معابد هندوی اطمینانی را برای حیات آینده فراهم می‌سازند. اگر چه خنده نیز بعد هیجانی خدایان هند می‌باشد اما خنده در هنگام واکنش با پدیده‌های متفاوت نوعی شعور و آگاهی است که به تعبیر فیلیوزات خنده در معابد سوژه‌ای برای تجربه عرفانی است.^۲ هیبت شیوا و مهربانی ویشنو در هنگام ورود به معبد زمینه نوعی گفتگوی عاشقانه را فراهم می‌سازد که موجب نوعی لبخند درونی و بیرونی در انسان می‌گردد و رضایت خدایان را در پی دارد. در بررسی متون هندوی با چهار ویژگی لبخند و خنده مواجه می‌شویم که هم خدایان و هم انسان‌ها از آن برخوردارند:

۱. لبخند و خنده به جهت آگاهی از اموری در آینده

همان‌گونه که جوهر انسان با عشق، خنده، غم، لبخند و حیرت آمیخته شده، سرشت خدایان نیز از این حالات مستثنی نیستند. اما آنها به خاطر اشراف به باطن کائنات گاهی در برابر اعمال ناآگاهانه بشر به خنده می‌آیند و سعی می‌کنند تا اندوه آنها را کاهش دهند. هنگامی که آرجونه در تردید مبارزه به سر می‌برد و سعی داشت تا دست از مبارزه با پسرعموها بردارد ناگهان کریشنا از آسمان فرو آمد و با لبخندی به آرجونه گفت: تو بر مردانی گریه می‌کنی که به هیچ عنوان شایسته این گریه نیستند. صحبت‌های تو سخنان انسان خردمند است، انسان‌های عاقل بر زندگان و مردگان گریه نمی‌کنند زیرا ای آرجونه وجود برای من و برای تو و شاهزادگان چیزی کم ندارد. تا زمانی که ما خدا هستیم، هستی متوقف

۱. Hiranyagarbha: «زهدان طلائی» یا «تخم مرغ طلائی» که در ترکیبات شاعرانه آن را «منشاء کیهانی» ترجمه می‌کنند. در فلسفه هند آن را منبع آفرینش جهان یا کیهان تجلی یافته می‌شناسند.

۲. Filiozat pierre sylvain, Michel Zink, *sourires d'orient et d'occident*, Paris, 2013, p.180.

نمی‌شود. همان‌گونه که این جسم فانی دوران کودکی، جوانی، بلوغ و پیری را پشت سر می‌گذارد و روح پس از مرگ جسمی دیگر را بدست می‌آورد، انسان عاقل خود را برای هیچ آشفته و دلواپس نمی‌کند. انسانی که در حصار شادی قرار گرفته است ای بهاراتا جاودانه می‌گردد.^۱

۲. لبخند و خنده به حیات و توالدهای ثانوی

در ادبیات سانسکریت رهایی از چرخه هستی لازمه زندگی انسانی است و کسانی که خود را از قانون کرمه رها ساخته باشند ناگفتنی‌هایی رمزگونه‌ایی دارند که تفسیر آن منحصرأ متعلق به خواص است زیرا در ورای این خنده نوعی حقایقی نهفته است که معنا و مفهومی رمزگونه دارد و از مقام بالای زمینی نشان دارد. بر طبق آموزه‌های کتھاسریتساگزه^۲ مجازات کسانی که بدون آگاهی و دانش لبخند می‌زنند و می‌خندند، چرخه تناسخ است^۳ در حکایت‌ها و داستان‌های زبان سانسکریت پادشاهان و فرمانروایانی که در مرتبه ابھینه^۴ ارتباط رمزگونه خنده و لبخند را با توالدهای ثانوی می‌دانند از افشای رازها خودداری می‌کنند. پادشاهی که زبان مورچگان، پرندگان و حشرات را به خوبی می‌فهمد و با لبخند با آنها به گفتگو می‌پردازد. شاهزادگانی که حیات حیوانی پیشین خود را بخاطر می‌آورند و لبخند می‌زنند. همه بیانگر حقایقی از حیات پیشین است که راز آن را نزد خود نگه می‌دارند. روزی پادشاه دشرتهه^۵ زبان حال پرنده‌ایی را متوجه شد و شروع به خنده کرد،

۱. Bosc Ernest, *Addha-Narir ou l'occultisme dans L'Inde Antique*, NICF, Paris, 1893, p.23.

۲. *Kathāsaritsāgara* : قصه‌های ادبیات سانسکریت که در قرن دهم توسط سومادوه (somadeva) تصنیف شده است.

۳. Théodoridès A., Naster P., Ries J, *Humour, Travail et science en orient*, Edittons Peeters, Leuven, 1988, p.48.

۴. *Abhinna* : در ادبیات بودائی به معنای آگاهی و دانش فراطبیعی که بطور مستقیم کسب می‌شود. این دانش از طریق مراقبه و زندگی پارساگونه بدست خواهد آمد و گذشته و آینده را می‌توان فهمید. این جایگاه شاهزادگان، فرهیختگان و راهبان می‌باشد و سایر افراد جامعه از آن محرومند. (Verpoorten Jean-Marie, p.50.)

۵. Dasharatha

ملکه بدجنس و کنجکاور کیکه‌ای^۱ گفت: چرا خندیدی؟ اگر نگویی من هلاک خواهم شد و یا اینکه تو را ترک خواهم کرد. پادشاه از شرح آن امتناع کرد. چون ملکه بر سخنانش پافشاری نمود پادشاه از استاد معنوی خود پرسید: می‌توانم به این تهدید خاتمه دهم، استاد گفت هرگز.^۲ زیرا افشای حیات پیشین برای انسان معمولی نوعی تمسخر و بی‌حرمتی به حیات پارساگونه است که پادشاهان از آن برخوردار بوده‌اند. بنابراین تفسیر این رمز را نباید گشود. مادر پادشاهی در هند هنگامی که پادشاه را در دوران بچگی بر روی زانوی خود نهاده بود، قصد داشت تا با او سخن بگوید، پادشاه خندید مادرش از سرکنجکاوای گفت: وحشت زده شده‌ام که چه چیز موجب شد به خنده درائی؟ پادشاه گفت: زندگی پیشین خود را بیاد آورده‌ام در حالی که از پاسخ به حیات پیشین خود امتناع کرد، زیرا حقیقت رنج را درک نموده و تفسیر آن موجب رهایی از فضیلت‌هایی است که خدای برهما به هستی بخشیده است^۳

۳. مواجهه با عنصر مؤنث و روابط عاشقانه

اگر چه در متن مارکندیه‌پورانه^۴ زنان از خنده منع شده‌اند و خنده ورود آنها را به جهنم فراهم می‌سازد،^۵ اما گاهی در متون سانسکریت عنصر مؤنث نه تنها عامل خنده است بلکه خود نیز بر لبان خنده دارند که غالباً مربوط به موقعیت‌های عاشقانه است. سینتا با خنده شروع به سخنان عاشقانه با همسرش راما نمود. در گرداگرد ویشنو کودکانی جمع شدند و نوکران با خنده او را به سمت حرمسرا راهنمایی کردند. ویشنو در برابر زنان بالی^۶

۱. Kaikeyi

۲. Théodoridès A., Naster P., Ries J, Humour, p.47.

۳. Manmatha nath duttm, *Markandeya Purana*, Edited and published by Manmatha nath Duttm, Calautta, 1896, p.134.

۴. *Markandeya Purana*: کتابی از اعصار اساطیری که مرجع دینی و حاوی تاریخ سنتی و وقایع هند می‌باشد.

۵. Manmatha nath duttm, p.54.

۶. Bali

قرارگرفت و با لبخندی ملایم به آنها نگریست.^۱ در ادبیات سانسکریت لبخند و خنده زائیدهٔ عشق است و جلوه‌های آنها به شکل شادمانی‌های مفرط، اشارات و حرکات نوعی رابطهٔ عاشقانه را نشان می‌دهند. لیلا شوکه^۲ در شعری که در ارتباط عاشقانهٔ کریشنا و انسان سروده است لبخند را نشان از اتصال روح بی‌آلایش انسان با منبع عشق بیان می‌کند که آن را می‌توان در عشق‌های عرفانی دید. کریشنا بر روی درختی مشرف بر رودخانه نشسته و لباس‌های چوپانان را با خود بر روی درخت برده است یکی از چوپانان ساده دل با اخم و لبخندی که بر لب دارد بی‌وقفه عبارت «عجب» را با حالتی از شرم و حیاء همراه با محبت تکرار می‌کند. فیلپوزات به تحلیل این ابیات می‌پردازد و می‌گوید: چرا علامت خشمی همراه با لبخند در این ادبیات شعری دیده می‌شود و چرا شرم و حیایی توأم با عشق؟ در حقیقت این ابیات علو و تعالی خدای کریشنا را نشان می‌دهد و شناختن روح چوپانی که تمایل عاشقانه به این خدا دارد یعنی اشتیاق به عشق عرفانی و لبخند ملایمی که بر روی چهرهٔ چندین چوپان نقش بسته است نمادی از شادی، پارسائی و ساده دلی است که خود را تسلیم شکوه و عظمت کریشنا نموده‌اند.^۳

کریشنا برادری به نام بالارامه^۴ دارد که به هوشیاری و زیرکی کریشنا نمی‌رسید. بالارامه به نزد مادر می‌رود و دربارهٔ کریشنا سخن چینی می‌کند: «ای مادر! کریشنا برای خوردن و سیر شدن به زمین رفته است. - واقعا کریشنا؟ - (در حالی که لبخند می‌زند) مادر چه کسی این مطلب را به تو گفته است؟ - بالارامه. - مادر! دهان مرا نگاه کن. - دهانت را باز کن. مادر در دهان کودک تمام جهان را می‌بیند.»^۵ این لبخند شما را حفظ خواهد نمود.

۱. Regnaud Paul, *La Rhétorique Sanskrite Exposée dans son Développement Historique et ses Rapports avec La Rhétorique Classique*, suivie des textes inédits-de Bharatiya-Natya-Castra (6e et 7e chapitres), et de La Rasatarangini de Bhanudatta, Ernest Leroux Editeur, Paris, 1884, pp.321-322.

۲. Lilashuka

۳. Filiozat Pierre-Sylvain, p.1643.

۴. Balarama

۵. مشاهده جهان در دهان خدایان نمادی از تسلط خدایان بر همه چیز و شناخت و آگاهی از جهان هستی است. درباره ویشنو در بهگود گیتا گفتار ۱۱ چنین خصیصه‌ایی آمده است. ...ای ویشنو! ای بزرگ خدایان! چون دهان‌ها و دندان‌های مهابت بار تو را می‌بینم به مانند شرارهٔ اجل چهار طرف خود را نمی‌شناسم و

در متن این شعر کلمهٔ ویسمایه^۱ به کار رفته است که در زبان سانسکریت از ریشهٔ /اسمی (لبخند) مشتق شده است و معنای لبخند در این حکایت اشاره به شادمانی کشف و شهود روح بر اثر پارسایی است. او مجذوب رویت خداوند می‌شود که نوعی کشف عارفانه است.^۲ همچنین در حکایتی دیگر دربارهٔ ویشنو چنین آمده است که بر روی ماری اسطوره‌ایی که بر دریایی از شیر سکونت دارد دراز کشیده است و لکشمی^۳ بر روی سینه او نشسته است و تصاویری را در میلیون‌ها سنگ گرانها می‌بیند. به ویشنو می‌گوید: آیا این شایسته است که مرا از نزد خود برانی؟ علی‌رغم پارسایی من هزاران همسر دیگر اختیار نموده‌ای؟ ناگهان لکشمی متوجه شد که در درون سنگ‌های گرانهایی که بر روی سرهای مار وجود دارند بدن بی‌آلایش اوست. او شرم‌منده شد و شروع به خندیدن کرد که خندهٔ متحیر او خواب ویشنو را در هم شکست.^۴ «اکنون بدانید که این خنده شما را حفظ خواهد کرد».^۵

۴. تفوق بر نیروهای شرور و شیطانی

شواهد عینی، کتیبه‌ها و مجسمه‌ها نشانی از تجمیع این دو ویژگی در یک اسطوره دارند. این تمایز را می‌توان در دو خدای شیوا و ویشنو دید. آئین ویشنویی در فضایی مملو از عواطف کودکی و ترحم سیر می‌کند و لبخند با لبان بسته در تصاویر ویشنو و اوتاره‌های او دیده می‌شود و آئین شیوایی در فضای هراس، وحشت و تنگدستی قرار دارد اما این عوامل مانعی بازدارنده از خیرخواهی، آرامش، بخشش و لبخند شیوا نمی‌شود. گاهی او را در

لحظه‌ای قرار ندارم... این پهلوانان جهان به سوی دهان آتشین تو می‌شتابند... و تو با دهان خود از هر سو جهان را در کام می‌کشی.

Burnouf Eugène, *Introduction à L'histoire du Bouddhisme indien*, tome premier, imprimerie Royale, M Dccc XlIv, Paris, 1844, p.58.

۱. Vismaya

۲. Filiozat Pierre-Sylvain, p.1644.

۳. Laksmi: همسر و نیرودهنده ویشنو، الهه تندرستی، کامروایی و ثروت است.

۴. Filiozat Pierre-Sylvain, p.1642.

۵. در حسن ختام داستان‌ها غالباً به عبارتی اینگونه مواجه می‌شویم: این خنده یا لبخند تو را حفظ خواهد نمود و یا اینکه حافظ تو خواهد بود. که رمزی از تعلیمات خدایان است.

محیطی اهریمنی که نیروهای شیطانی و مرگ در گرداگرد او حلقه زده‌اند و مطیع و فرمانبردار او هستند و گاهی در حیات خانوادگی، با چهره‌ایی آرام بسر می‌برد. در پیکره‌ها و تندیس‌های ویشنو لبخند با لبان بشاش و طنین‌انداز که دندان‌ها قابل رویت باشند، دیده نمی‌شود اما لبخند ملایم و خنده‌های بلند شیوا هم در ادبیات شعری و هم در هنر هند بیشتر دیده می‌شود که با پیروزمندی‌های افتخارآمیز او رابطه مستقیم دارد. دکشه^۱، پدر زن شیوا، با حضور تمامی خدایان، جشن قربانی بپا نمود و در این مراسم شیوا دعوت نشده است. در حالی که دخترش ایزد بانوی ساتی^۲ مورد نفرت پدرش قرار گرفته ناگهان خود را در آتش قربانی می‌افکند. شیوا به محض اطلاع از این حادثه غم‌انگیز به شکل قهرمان ویربهره^۳ درآمد و مراسم قربانی را از بین برد. شیوا با لبخندی ملایم برای همسرش پرواتی این حادثه را نقل می‌کند: با سه نگاه خشم‌آلود و شعله‌ور من، سه آتش قربانی خاموش شدند و بزرگان بر زمین افتادند و دستار آنها توسط نیروهای شرور گنه^۴ به دور افکنده شد و دکشه به ستوه آمده در برابرم به ستایش پرداخت و همسرش بطور اسفناکی ناله می‌کرد و خدایان پا به فرار نهادند. شیوا پس از اتمام سخنانش شروع به خنده بلند نمود و گفت: «این خنده شما را حفظ خواهد کرد».^۵ در متون عصر ودائی شیوا بر خلاف ویشنو شخصیت دوگانه‌ایی دارد. خنده سهمگین از ویژگی منحصر به فرد شیوا است که گاهی در شرایط مخوف لبخندی بر لب دارد. در مواجهه با شیاطینی که در صدد از بین بردن نظم کیهانی هستند می‌ایستد و اقتدار خود را نشان می‌دهد. این رفتار عملی او جزء تعالیم شیوایی می‌باشد که اگر چه لبخند شیوا موهبتی برای آرامش است اما گاهی با یک لبخند می‌توان قدرتمندترین نیروی شر را از پا درآورد تا مطیع او گردد. شیوا به این طریق می‌آموزد که خصومت و دشمنی را به پارسایی و نفرت را به عشق تبدیل کنید. هنرمند در

۱. Daksa: از اساطیر آئین هندویی و به معنای کارآموده، خدای قربانی که از انگشت شصت برهما منشعب شده است و مظهر جادوگری است و دختران زیادی دارد که یکی از آنها ساتی است که زوجه شیوا می‌باشد.

4. Huet Gérard, *Héritage du Sanskrit*, Dictionnaire sanskrit-Français, Paris, 2012, p.243.

۱. Sati: صحنه قربانی بر روی ضلع غربی معبد لوکشواره (lokeśvara) در پاتاداکال (pattadakal)، مربوط به قرن هشتم دیده می‌شود (Filliozat Pierre-Sylvain, p.1644).

۲. Virabhadra: چهره هولناک خدای شیوا که به نابودی می‌پردازد.

3. Gana

4. Filliozat Pierre-Sylvain, p.1638.

این شرایط متضاد سعی دارد با بهره‌گیری از ادبیات دینی به باورهای اعتقادی تجسم بخشد. در یک کتیبه از الهیات شیوایی خدایی با پنج سر (ساده‌شیوا) دیده می‌شود که دارای دستورات عملی برای اجرای آئین شیوایی می‌باشد و هر چهره مفهوم کیهانی دارد. چهره‌هایی که به سمت جنوب قرار گرفت است بسیار هولناک و چشم‌هایی از حدقه درآمده دارد که نمادی از خشم او بر اهریمنان است و خنده بلند او نشان از پیروزی او بر دشمنانش دارد. در حالی که چهرهٔ دیگر شیوا لبخندی بر لب دارد که نشان از ترحم و پشیمانی است. در نمای شمالی شیوا را با ماری که به دور گردن دارد و لبخند آرامی بر لبان او نمایان است می‌بینیم. (تصویر ۱، پنج سر کیهانی شیوا، ساده‌شیوا) که این پنج سر تضاد احساسات شیوا را نشان می‌دهد.



تصویر ۱: پنج سر کیهانی شیوا (ساده‌شیوا) تصویر ۲: کرکیکل آمیتر، موزه هنر، کانزاس سیتی

در میان خدمتگزاران وفادار به شیوا شخصیت گنه^۱ دیده می‌شود که در زمرهٔ نیمه خدایان به شمار می‌رود و همانند شیوا شخصیت دوگانه‌ایی دارد او کوتوله‌ای است که دارای دو چهرهٔ متفاوت است. گاهی لبخند ملایم و آرامی بر لب دارد که نمادی از پارسایی است و گاهی برخوردار از صفات شیطانی و چهره‌ایی کاملاً عبوس که پارسایی خود را از طریق رقص، خنده، حرکات ناموزون، موسیقی، شیپور و طبل بیان می‌کند.^۲ در تفکر

۱. Gana: در زبان سانسکریت به معنای رمه، گروه و طائفه.

۲. از خصیصه‌های منحصر به فرد خدایان پارسایی است که ارتباط تنگاتنگ بین رقص و موسیقی با لبخند و خنده دارد؛ (Filliozat Pierre-Sylvain, p.1646.)

تندوه‌یی^۱ شیوایی نوعی آناندا- تندوه یا رقص خوشبختی است که بالذات با لبخند و خنده همراه است و موجب رهایی از هرگونه رنج است. مقدسان بزرگ هند گاهی برای بدست آوردن پارسایی به پیروی از شیوا و یا ویشنو زندگی فردی خود را در معابد ادامه می‌دهند و خنده از معنا و مفهوم استهزا خارج می‌شود و عملی قدسی به شمار می‌رود کَرِیکَل آمَیر^۲ (تصویر ۲) که از مقدس‌ترین و بزرگ‌ترین چهره‌های مؤنث در قرن ششم می‌باشد از کودکی خود را وقف شیوا نمود. او به پارسایی مطلق رسید و امروزه با پیکره‌ایی که از او به جا مانده است به عنوان الگو و نماد پرهیزگاری به شمار می‌رود. وی همه روزه سنج می‌نواخت، می‌رقصید و آواز می‌خواند: شیوارنج و عذاب ما را کاهش نمی‌دهد، و دلسوزی نمی‌کند. راه را به ما نشان نخواهد داد با این وجود قلب من از عشق دور نمی‌ماند. در پیکره‌ایی که از این زن مقدس به جا مانده است، او را با بدنی نحیف و پاهای استخوانی که در حال رقص است و پارسایی بر چهره شادمان او نمایان است گاهی با لبخندی تسکین دهنده است و گاهی با خنده‌ایی اهریمنی دیده می‌شود^۳ که روش شیوا را دنبال می‌کند زیرا آن را ثمره پارسایی مطلق و نماد پرهیزگاری می‌داند. در دعایی که کراددوک از او نقل می‌کند کریکل در حال نواختن سنج و رقص و آواز است که شیوا را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید: شیوا رنج و عذاب ما را کاهش نمی‌دهد، و دلسوزی نمی‌کند. راه را به ما نشان نخواهد داد با این وجود قلب من از عشق او دور نمی‌ماند و در جست‌وجوی پارسایی از طریق او هستم.^۴

لبخند در ادبیات جینی

پیکره‌های جینی در وضعیت‌ها یا روپه‌های^۵ مختلف ساخته شده‌اند. برخی از پیکره‌ها در

۱. Tandava: اصطلاحی در زبان سانسکریت که کاربردی در رقص دارد. در آئین هندویی اصطلاحات آناندا- تندوگه به معنای رقص خوشبختی یا رقص کیهانی است که توسط شیوا صورت می‌گیرد و منشاء چرخش خلقت است.

۲. Karaikkal-ammaiyyar

۳. Filliozat Pierre-Sylvain, p.1646.

۴. Craddock elaine, *Siva's Demon Devotee* (Karaikkal Ammaiyyar), Albany, Suny Press, New York, 2011, p.115.

۵. Rupa: اشاره به اشیاء مادی که شامل جسم و پدیده‌های ظاهری می‌شود.

حالت مراقبه و در وضعیت لوتوس^۱ هستند و برخی دیگر ایستاده و با بازوان کشیده در حالیکه پاهایشان به هم چسبیده و چشم‌ها به نوک بینی است.^۲ برخی از پیکره‌ها لبخند بر لب دارند که توجه مورخان هنر را به خود جلب نکرده است زیرا متون جینی بطور مستقیم درباره لبخند سخنی نگفته‌اند و صرفاً به این عبارات اکتفاء نموده‌اند که دهانی کوچک و افتاده، یا دهانی بسیار بزرگ، غیر طبیعی، لب کمی باز، دندان‌ها سفید، درخشانده و یکدست، بدون شکاف و در ردیفی منظم قرار دارند که بیان رضایت و آرامش است و لبخند نتیجه این دو وضعیت است به تعبیری رضایت از وجودی که به هدف نهایی خود رسیده است. در برخی پیکره‌ها، چهره آرام و لبخندی حاکی از رهایی از صفاتی دنیوی دیده می‌شود (تصویر ۳، معبد آدیناتها در شهر گوالیور). در مکتب جینی، خنده مانع از رسیدن به حیات برتر است. از نظر آئین جینی خنده نقش منفی در سلامت روحی و روانی انسان دارد. بنابراین باید خنده محدود شود. انسان ناکامل^۳ می‌تواند بخندد اما دانای مطلق^۴ نمی‌تواند بخندد زیرا خنده به منزله عدم کنترل شخصیت انسان کامل است. نفی خنده در نظام جینی از تعالیم عملی است و در نگاره‌ها و شمایل کمتر خنده دیده می‌شود. در زبان سانسکریت و زبان‌های مشتق از آن، هس کاربرد مطلق خنده را دارد اما اوپا-هس کاربردی متعددی دارد که در مکاتب بودایی و جینی نوعی گفتار خشن و تند به همراه تهمت، شایعات بی اساس و دروغ می‌باشد که شایسته انسان‌های معمولی است و این خصلت کسانی است که در دولاب دائمی تولد و مرگ گرفتارند و از قانون کرمه خلاصی نیافته‌اند. بنابراین انسان حکیم باید خصلت‌های ناپسند خشم، غرور، فریب، خنده، پرحرفی و شایعات بی اساس را از خود دور کند و باطنی بی عیب را برگزیند. خنده نشان تندخویی و خشونت است چه با کلام و چه بدون کلام. در کانون جینی، خنده هم‌تراز است با آواز، موسیقی، رقص، جشن و همنشینی با زنان، که می‌بایست ترک شود زیرا لبخند بیش از حد، بخشی از ابزار زنان است

۱. Padmasana

۲. Kayotsarga; see: Zimmer Heinrich, *Philosophies of India*, ed., Joseph Campbell, Pantheon Books, New York, 1953.

۳. در زبان سانسکریت Chadmastha گفته شده است و در زبان پرکریتی chaumattha است.

۴. Kevalin: کوالین کسی که از ماده کارمائی آزاد است و دانای مطلق است.

و از خصیصه‌ها عشوه‌گری است.^۱ بنابراین از نظر آئین جینی یک مؤمن باید از شنیدن هیاهو، گریه، آهنگ، خنده، قهقهه، ناله، همنشینی با زنان، اجتناب کند. پس لبخند به لذت‌های عاشقانه کامه‌سوتره^۲ تعلق دارد. نظر به اینکه راهب جینی در رهایی از چرخه هستی یا سمساره روشی متفاوت با هندوئیسم و بودیزم را دنبال می‌کند لبخند او با لبخند بودا نیز متفاوت است. راهب جینی با بی تفاوتی به امور ظاهری و نفی جسم زهدی سخت و خشن را دنبال می‌کند که این اندیشه را می‌توان در پیکره‌های او مشاهده نمود. در پیکره‌های فرقه دیگمباره^۳ جینی برهنه و فاقد تزئینات ظاهری است و بر گرد سر او هاله‌ایی از نور وجود دارد که پیام جهانی خود را با رسیدن به سعادت و خوشبختی باطنی و رهایی از نفسانیات و دریافت آرامش و اشراق کامل بیان می‌کند (تصویر ۴). این مکتب مجموعه‌ایی از آئین‌های دینی که شیوه‌های پرهیزگاری را تعلیم می‌دهد را بیان می‌کند. گاهی چهره جینه با لبخند و چهره بشاش برجسته شده است که تفسیر رضایت مطلق او را به سبب رهایی از دنیای ظاهری نشان می‌دهد. در معابد، زیبایی و نمای پیکره با لبخند ملایم خود تأثیر مثبت را ایجاد می‌کند و به فرد آرامش و سکوت تعلیم می‌دهند: «دانا‌یان کل از همه چیز آزادند، ولو اینکه برخوردار از جسمانیت باشند». چهره جینه همواره آرام و پیامی جهانی دارد. نورانیت و خلوصی در آن تفسیر معنوی نهفته است. امروزه در تحلیل و بررسی‌های محققان تصویر جینه به عنوان «ابژه مراقبه» در نظر گرفته می‌شود که برخی آن را مراقبه متصل به فرم - زیبایی^۴ در نظر می‌گیرند.^۵

۱. Balbir Nalini, *sourires de sages dans le bouddhisme et le jainisme*, Académie des inscriptions et belles lettres, *Sourires d'Orient et d'Occident*, éd., Pierre Sylvain Filliozat, Michel Zink, *Anabases, revues en sciences humaines et sociales*, Paris, 2013, pp.88-89.

۲. Kamasutra : متون قدیمی هندی که به رفتارهای لذایذ نفسانی تعلق دارد و در ادبیات زبان سانسکریت دیده می‌شود. و همچنین به اشعار غنایی عاشقانه که شاعران زبان سانسکریت نمونه‌های متعددی را در این باره سروده‌اند.

۳. Digambara

۴. Rupa sthadyana

۵. Balbir Nalini, p.79.



تصویر ۴: مهاویره در لحظه اشراق



تصویر ۳: معبد آدیناتها در شهر گوالیور

لبخند بودا

در تجزیه و تحلیل از نگاره‌ها، پیکره‌ها و تصاویر بودایی، لبخند بودا به عنوان نوعی ارزش معنوی قلمداد گردید است. ارزشی که یک انسان بیدار و مراقب برای دستیابی به عالم نیروانه بدست می‌آورد. تلقی بوداییان این است که لبخند بودا آرامش و سکوت را با خود به همراه دارد و خنده که نشانی از عدم کنترل شخصی و مخالف با احساسات جمعی است شکلی از خشونت و پرخاشگری می‌باشد. اگر چه در تعالیم بودا به موضوع خنده به جزء چند مورد استثناء اشارهٔ جدی نشده است^۱ اما همانند آموزه‌های جین خنده از جلوه‌های انسان‌های ناقص است. از جمله نقل است که شش راهب وارد روستایی شدند و با صدای بلند خندیدند. بودا پس از آن در پاتیموکه^۲ قانون تعلیمی که در آن خنده منع شده است، وضع نمود و به لبخند زدن بسنده کرد البته در مواقع خاص خنده نهی نشده است. به هر

۱. فقط در کتاب مهاواستو به خنده بودا اشاره شده است. هنگامی که بدنیا آمد هفت گام بر روی زمین برداشت و خنده‌ایی بلند سر داد زیرا ده‌ها میلیون خدا آینده‌اش را پیش‌بینی نمودند اما پیش‌بینی خدایان اشتباه بود. Mahavastu، در زبان سانسکریت به معنای داستان و رویداد بزرگ است که در مکتب لوکوترواده (lokottaravada) بودیزم اولیه بسیاری از این حوادث ذکر شده است. بیش از نیمی از این متن مقدس از جاتا که و افسانه‌های اودانه (avadana) نقل شده است.

۲. Patimokkha: در مکتب تهرواده بودایی (theravada) پاتیموکه، قوانین و مقررات نظم و انضباط است که شامل ۲۲۷ اصل کامل می‌باشد و برای حیات راهبان وضع شده است. در زبان سانسکریت بودایی فعل خندیدن *uccagghati* می‌باشد و در زبان پالی *ujjagghati* می‌گویند که موصوف مؤنث آن *ujjhagghika* می‌باشد.

روی، خنده در آئین بودایی رفتار اجتماعی است که به راهبان توصیه نشده است بنابراین برای راهبان خنده و گاهی لبخند بی‌وقت زشت و نوعی بی‌ادبی به شمار می‌رود و افراط در آن به منزله عدم کنترل شخصیت وی و بدگمانی تلقی می‌شود. در متن پچیتیه^۱ آمده است: «پادشاهی در کنار همسرش نشسته بود، که ناگهان راهبی وارد بارگاه گردید و خنده‌ایی کرد و ملکه لبخندی به او زد. پادشاه با خودش گفت: یقیناً آنها در بین خود چیزی دارند و یا خواهند داشت. این خنده راهب موجب بدگمانی پادشاه گردید».^۲ در ادبیات بودایی صرفاً لبخند به عنوان مؤلفه تعالیم بودا معرفی می‌شود و اگر در برخی از آثار بجا مانده از بودا گاهی دندان‌ها نمایان می‌شود، بر طبق کانون پالی خنده بودا نشانی از شادمانی بی‌حد و حصر است^۳ که در اثر آگاهی مطلق از حقیقت رنج و قانون سمساره بدست آورده است. از آموزه‌های معروف ادبیات بودایی «موعظه گل»^۴ یا «لبخند مهاکشیه»^۵ می‌باشد. در اواخر عمر بودا مریدانش را به جانب برکه‌ایی از گل‌های نیلوفر برد و از مرداب نیلوفری را برکند و جلوی آنها قرار داد. به نوبت به هرکدام نیلوفر را نشان داد اما چون به شاگردش مهاکشیه رسید او لبخندی زد و سپس شروع کرد به خندیدن، بودا گل را به او داد و با لبخند گفت: آنچه را که می‌توانستم بگویم، من آن را به شما گفتم و چیزی را که نمی‌توانستم بگویم آن را به مهاکشیه داده‌ام.^۶ لبخند شاگرد در واقع رمزی از معرفت و درک حقیقتی است که ارتباط با جهان معنوی دارد و عوام مردم را به آن دسترسی نیست در حالی که خنده متعلق به دنیای زمینی است و انسان‌های ناکامل از آن برخوردارند.

در هنرهای تجسمی و ادبیات سانسکریت با دو ویژگی لبخند بودا مواجه می‌شویم:

۱. لبخند باطنی که رمزی از آرامش است. در این حالت بودا مشتکی بسته دارد که به مفهوم رمز دانش کیهانی است. بودا در حالت مراقبه در زیر درخت انجیری نشسته است و

۱. Pacittiya : متن تهروده بودایی که دارای ۹۲ قانون متضمن اقرار و اعتراف می‌باشد.

۲. Bhikkhu Thanissaro, *The Patimokkha Rules* (The Buddhist Monastic Code I), Translated & Explained by Thanissaro Bhikkhu (Geoffrey DeGraff), Third edition, USA, 2013, p.410.

۳. Balbir Nalini, p.87.

۴. Sermon de la fleur

۵. Mahakashyapa: مهاکشیه یکی از شاگردان اصلی گوتاما که اولین شورای بودایی را دایر نموده است.

۶. Balbir Nalini, p.97.

خندهٔ او نمادی از تنویری است که بودا در پشت چشمان بسته خود سعادت ابدی عالم نیروانه را می‌بیند که اوج این لبخند را در هنر خمر^۱ می‌بینیم. ظرافت لبخند او در این نگاره‌ها از آن حکایت دارد که بودا با گذار از سختی‌های دنیا و رسیدن به بیداری معنوی نفرت را از بین برد و شادمانی را جایگزین آن نمود. این لبخند درونی نوعی روشنگری را به بوداییان نشان می‌دهد. شکوه این لبخند نشان از حکمت و دانش بودا در روی زمین دارد که با گذار از سختی‌های دنیا و رسیدن به بیداری معنوی نفرت از بین خواهد رفت و شادمانی جایگزین آن خواهد شد. این لبخند ارتباط مستقیمی با مراقبه و تفکر باطنی دارد که راهبان بودایی آن را به مریدان آموزش می‌دهند بر اثر تفکر یا مراقبه که وجدان انسانی، آرامش، صلح، سکوت، شادمانی عمیق، سعادت، نورانیت را بدنبال دارد بر لبان بودا نقش بسته، که خود رمزی از آمیختن و یکی شدن انسان با معنویت جهانی است و راهبان بودایی آن را به مریدان آموزش می‌دهند.^۲ در مکتب ذن که مکتب رفتارگرایانه است و تأکید فراوان بر وضعیت مراقبه دارد، بر ضرورت لبخند آرام بر روی چهره تأکید می‌شود. برای درک لبخند عمیق و آرام مرحلهٔ «تهی» یا «تخلیه» ضرورت دارد.^۳

۲. لبخند ظاهری: از نظر بودا راهب دانا کسی است که سه ویژگی منحصر به فرد داشته باشد: دانش، دور اندیشی و لبخند که رمزی از هوشیاری و دانایی است که این سه ویژگی در چهرهٔ انسان‌های کامل نمایان خواهد بود. بودا با لبخند خود در مجسمه‌ها دیگران را مورد خطاب قرار می‌دهد و دست باز او نمادی از تقدیم لبخند به دیگران و بی‌حد و حصر بودن حقایقی است که برای انسان‌ها ضرورت دارد تا عشق فداکارانه را بیاموزند. این

۱. Khmère: از حکومت‌های جنوب شرقی آسیا که امپراطوری خمر حکومت خود را در بین سده‌های ۹ تا ۱۲ میلادی از کامبوج شروع نمود. امروزه به عنوان تمدن خمر باستان‌شناسان و ادیان‌شناسان به تحلیل هنر معماری، معابد، مجسمه‌ها، شمایل که بن‌مایه‌های آن در ادبیات سانسکریت و به آئین هندو و بودیسم می‌رسد، می‌پردازند.

d'Hauterives Arnaud, *le Sourire dans l'art, Discours de Monsieur Arnaud d'Hauterives, Secrétaire perpétuel de l'Académie des Beaux-Arts, pour la Séance publique annuelle du 23, site internet, 2005.*

2. Toulou-Breyse Jean-Luc, *Les Mots du Bouddhisme*, Actes Sud, Paris musées, 2004.

۳. Gourhant Alain, "Psychothérapie intégrative", *Spas Magazine* n°20, Paris, 2007, pp.6-7.

لبخند انعکاس محبتی بی قید و شرط به تمام موجودات است تا از رنج رهایی یابند. نوعی لبخند عاشقانه که عالی‌ترین جنبه عشق را به صورت مهربانی، ترحم، همدلی، سخاوت و شادمانی در زندگی روزانه افراد جلوه‌گر می‌شود. اما بودا به این نوع لبخند وابسته نیست بلکه در پشت آنها فلسفه حیات نهفته است. در جاتکه‌های بودایی با داستان‌ها و حوادثی مواجه می‌شویم که به صراحت به لبخند می‌پردازند که بر اثر آگاهی بوجود آمده است و از ویژگی‌های بودا و انسان‌های کامل می‌باشد. خنده در متون بودایی نشانه سه چیز است:

۱. آگاهی از امور پنهان در هستی

در سوته‌پتیکه روایتی هست که بودا در پاسخ به پرسش‌هایی درباره اسرار هستی لبخند می‌زند و از مریدانش نیز می‌خواهد که چنین کنند!^۱ روزی آینده از بودا سؤالی پرسید و او لبخند پاسخ داد. آینده در برابر این عکس‌العمل به آگاهی و حقایقی دست یافت که منحصرأ بودا به آن واقف بود. در واقع این لبخند نوع حرکت اختیاری و دارای انگیزه بود که دیگران بدان آگاهی نداشتند. عکس‌العمل آینده در این لبخند درک آگاهی مطلق و حقایقی بود که منحصرأ بودا بدان واقف بود.^۲

۲. آگاهی از حیات پیشین و پیشگویی آینده

اینگونه لبخندها نه تنها بر لبان شاهزادگان، پادشاه و راهبان بودایی ظاهر می‌شود، بلکه حیوانات نیز آن را در نهاد خود ظاهر می‌سازند. قطعه شعری از جاتکه راجع به فیلی با شش مدافع او چنین سروده شده است: در حالی که حمایت‌هایی را از فیلی زیبا می‌بینیم، همسر عزیز او در حیات پیشین قلب تکه‌تکه‌اش در دشت پراکنده گردیده و مُرد. این وجود متعالی (فیلی زیبا) چون به بیداری رسید لبخندی در جمع بر لبانش جاری شد.^۳ هنگامی که

۱. Balbir Nalini, p.96.

۲. Traité de la grande vertu de sagesse (Mahaprajñāparamitasāstra)

[رسالة فضیلت اخلاق دانانی] در این اثر ناگارجونا (Nagarjuna) به کرات از متون روایی زبان سانسکریت بودایی این موضوع بیان شده است: این یک قاعده و قانون است که وقتی بودا پیشگویی را ارائه می‌دهد لبخند می‌زند و برای مردم عادی قابل درک نیست.

۳. Balbir Nalini, pp.92-94.

وزیر سانتاتی^۱ طغیانی را فرو نشانند. برای پیروزی مراسم شادی رقص، آوازه و زیور آلات را فراهم نمود تا جاییکه همه سرمست شدند. وزیر بر پشت فیلی سوار می‌شود و در راه با بودا مواجه می‌گردد و به علامت سلام سر خود را به طرف بودا تکان می‌دهد. بودا بی اعتنا از کنار او می‌گذرد و لبخند می‌زند. آننده علت را پرسید. بودا پاسخ داد: این وزیر را بین. امروز به زیورآلات آراسته شده است اما در حیات بعدی به مقام ارهتی خواهد رسید و به نیروانه دست خواهد یافت و به نزد من خواهد آمد.^۲

۳. آگاهی بر اثر رسیدن به مقام نیروانا و سعادت در دنیای معنوی

از جذاب‌ترین هنر هند لبخند باشکوه و ملایم بودا است که توسط نگه^۳ حفظ می‌شود. طرح لب‌های تپلی و بطور مختصر برگشته در تضاد با خط لاله گوش است که به سمت پایین کشیده شده است. بنظر می‌رسد که از لب او نفسی دمیده می‌شود که از منبعی نورانی در درون مجسمه بیرون می‌آید تا جاییکه بیننده را متحیر می‌کند. لبخند او بنظر می‌رسد حرکت ملایمی را در چشمان ایجاد می‌نماید.^۴ بودایی که به نیروانه کامل رسیده و در دنیای معنوی جا گرفته و بر روی تختی از گل نیلوفر آبی نشسته و هاله نورانی بر گرد سر اوست که به منزله رسیدن به عالم نیروانه و تفوق بودا بر قانون درمه است. در یک لحظه چند صد میلیون اشعه نورانی از او وجود او متصاعد می‌شود که بودی‌ستوهایی به رنگ طلاء و دارای سی و دو^۵ ویژگی است که از علائم انسان کامل است.^۱ البته در متون بودایی وقتی که

۱. Santati

۲. Balbir Nalini, pp.92-94.

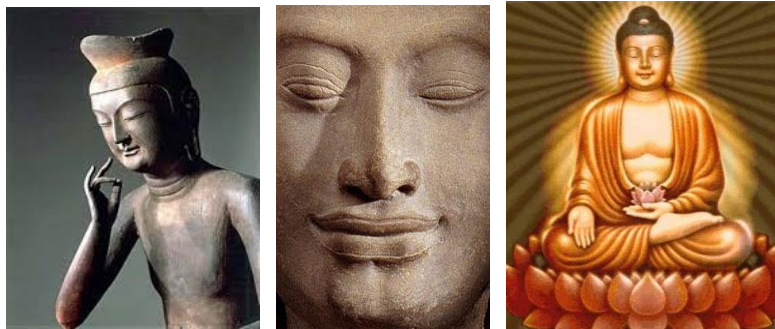
۳. Naga : حیوانی شگفت که در سانسکریت به آن مار می‌گویند و سمبل نامیرائی، حاصلخیزی و الوهیتی است. در بودا با شخصیت جهانی او ارتباط دارد.

۴. Toula-Breysse Jean-Luc.

۵. ویژگی‌های ۳۲ گانه بودا: ۱. کف پا تخت ۲. سطح پا دارای ۱۰۸ اثر است که هرکدام رمزی دارد. ۳. پاشنه برجسته و به عقب کشیده شده ۴. انگشتان پا و دست دراز ۵. کف پا و کف دست صاف ۶. انگشتان پا راست و منظم بدون فاصله. ۷. استخوان بیرونی مچ مخروطی ۸. عضله پشت پا منظم و و استوانه‌ایی ۹. در حالت ایستاده دستان تا زانو کشیده شده ۱۰. قضیب بدون کجی به چپ یا راست ۱۱. پوست طلائی ۱۲. پوست نرم ۱۳. موهای نازک در طول سطح بدن ۱۴. مژه‌های کشیده ۱۵. اسکلت بدن راست ۱۶. پاها و دست‌ها همچنان‌که پشت گردن برجسته ۱۷. قفسه سینه برجسته ۱۸. کمر بدون تو رفتگی ۱۹. بازوها یک اندازه ۲۰.

به سعادت می‌رسند، لبخند می‌زنند و به سمت بالا و پائین دنیا در حرکتند و از دهانشان اشعه‌های نورانی آبی، زرد، قرمز و سفید ساطع می‌شود^۲ (تصویر ۵).

در موزه گیوم مجسمه‌ایی از بودا با لبخندی بر چهره و چشمانی نیمه بسته دیده می‌شود که این مجسمه در قرن سیزدهم در خرابه‌های آنگکور^۳ یافت شده است که سر برهنه او نشان از راهبی است که به بالاترین کمال و پیروز بر هوس‌ها رسیده است (تصویر ۶). حومه غربی کیوتو^۴ در معبد کوریوجی^۵ مجسمه‌ایی از بودی ستوه و یا بودای آینده دیده می‌شود که دارای لبخند ملایم است و سبک بازوان و موقعیت انگشتان دست به این مجسمه زیبایی خاصی بخشیده است که یادآور شاهزاده گوتمه قبل از تنویر در تفکر و مراقبه می‌باشد (تصویر ۷).



گردن صاف و استوانه‌ایی ۲۱. بدن طوری که می‌تواند نیازهای غذایی را با حتی یک دانه برنج بدست آورد ۲۲. دهان لبخند دائمی را نشان می‌دهد. ۲۳. چهل دندان ۲۴. دندان‌ها منظم و یک اندازه ۲۵. دندان‌ها بدون شکاف ۲۶. چهار دندان نیش دارای درخشش ۲۷. زبان صاف و بلند ۲۸. صدایی رسا و خوش نوا ۲۹. چشم قهوه‌ای و نگاهی دلنشین ۳۰. ابرو نرم ۳۱. ابروها دارای فاصله زیاد ۳۲. پیشانی دارای پوستی که به سمت ابرو کشیده شده.

Sami Dhamma, *La vie de Bouddha et de ses principaux disciples*, dhammadæna, 2005, pp.44-45.

۱. Burnouf Eugène, *Introduction à l'histoire du buddhisme indien*, tome premier, imprimerie Royale, M Dccc XlIv, Paris, 1844, p.345.

۲. Ibid, p.201.

۳. Angkor

۴. Kyoto

۵. Koryuji

تصویر ۵: بودا با پرتوهای نورانی تصویر ۶: موزه گیوم، پاریس تصویر ۷: معبد کوریوجی و لبخند بر لب

در غالب آثار و هنرهای بجا مانده از بودا، او لبخند می‌زند که دندان‌ها بطور کامل نمایان می‌شود چنانکه در جایی از متون کانون پالی آمده است: «خنده بودا نشانی از شادمانی بی اندازه اوست». بنابراین لبخند او با شادمانی آمیخته است زیرا او رنج را از خود رها نموده است. بنابراین بودا قصد نشان دادن دندان‌های خود را ندارد کمی دهانش را باز کرده تا پرتوهایی از دندان‌های سفید او متصاعد می‌شود که گرداگرد صورت او را با سه حلقه احاطه کرده است.^۱ بودا تلاش نمود تا خود را از رنج رهایی بخشد و در حالت مراقبه در صدد رهایی و آزادی بود نه انکار واقعیت چیزها. در مکتب بودایی تهروده توصیه می‌شود تا همه چیز جدی گرفته شود. بدن ما برای ما درد و رنج ایجاد می‌نماید. درد فیزیکی به ما هشدار می‌دهد که ما به بدنی متصل هستیم که بر روی زمین راه می‌رود. اما با وجود این دنیا مکانی است که می‌توان با تمرکز و مراقبه به آرامش رسید و هنگامی در تفکر بسر می‌بریم باید لبخند زد زیرا قلب نیاز به شادمانی و سرور دارد. بودا نیز در هنگام مراقبه چشمان ظاهری خود را می‌بست و با چشمان باطنی در اقیانوس سمساره شنا می‌کرد و لبخند او نشانگر انسان کاملی بود که رنج را پشت سر گذاشته است. بودا در نهاد خود خنده واقعی سر می‌داد زیرا «خنده واقعی، آهنگ پیروزی انسان است بر دردها و غم‌ها چرا که هیچ منبعی برای بروز شادی و کامیابی جز خنده وجود ندارد.^۲ بنابراین در اندیشه‌های بودایی ما با دو مقوله انسان‌شناسی یعنی رنج و لبخند مواجه می‌شویم که حیات متضادی را در انسان تعلیم می‌دهد.

نتیجه

لبخند بر سیمای هنرهای تجسمی و در حکایت‌ها دینی از عصری سخن می‌گوید که انسان و اسطوره با همدیگر امتزاج داشته‌اند. بنابراین در ادبیات سانسکریت توصیفات ادبی نوعی

۱. Balbir Nalini, p.87.

۲. Pagnol marcel, *Notes sur le rire*, Éditeur: Editions de Fallois, Paris, 1990, p.25.

زبان ارتباطی بین دنیا و امر متعالی است چنانکه لبخند و خندهٔ خدایان و نیمه خدایان بر سبک معماری، هنرهای تجسمی، اشعار، متون دینی و نمادهای آئینی تأثیر شگرفی داشته است. در سیر تحول ادیان هند لبخند و خنده از تفکری به تفکر دیگر دستخوش تغییر معنایی شده است که با آموزه‌های دینی پیوند ذاتی دارد. در آئین هندوئی، لبخند و خنده از شاخصه‌های اصلی خدایان به شمار می‌رود و هر دوی آن نمادی از پارسایی است و همانگونه که خدایان جوهری از عشق، لبخند، خنده، خشم و اندوه دارند، سرشت انسان‌ها از این حالات مستثنی نیستند. بنابراین خنده و لبخند با رقص، موسیقی و لذایذ عاشقانه چه در اساطیر و چه در میان انسان‌ها ارتباط مستقیم دارند. اما در دو آئین جینی و بودایی با نفی هر گونه پارسایی و رفتارهای تند و هیجانی به انکار خنده و تحدید لبخند پرداخته‌اند که تأثیرات منفی لبخند و خنده در زایش‌های مکرر و گرفتاری در قانون کارمه و زندگی اسفناک تبلور می‌یابد. اگر چه مکتب جین لبخند را تنها ارتباط حالت شادمانی بی حد و حصر با رستگاری و رهایی تفسیر می‌کند و به نفی مطلق خنده می‌پردازد اما بودا با آگاهی از حقیقت رنج، رهایی از قانون سمساره و رسیدن به عالم نیروانه به حقایقی دست می‌یابد که او را به خنده وا می‌دارد، خنده‌ایی که در پس آن تعبیری کاملاً معنوی و عرفانی نهفته است و متعلق به مقام انسان‌های کامل است.

منابع

- Balbir Nalini, *sourires de sages dans le bouddhisme et le jainisme*, Académie des inscriptions et belles lettres, Sourires d'Orient et d'Occident, éd., Pierre Sylvain Filliozat, Michel Zink, Anabases, revues en sciences humaines et sociales, Paris, 2013.
- Bhikkhu Thanissaro, *The Patimokkha Rules (The Buddhist Monastic Code I)*, Translated & Explained by Thanissaro Bhikkhu (Geoffrey DeGraff), Third edition, USA, 2013.
- Bosc Ernest, *Addha-Narir ou L'occultisme dans L'Inde Antique*, NICF, Paris, 1893.
- Burnouf Eugène, *Introduction à L'histoire du Bouddhisme indien*, tome

- premier, imprimerie Royale, M Dccc XlIv, Paris, 1844.
- Craddock elaine, *Siva's Demon Devotee (Karaikkal Ammaiyar)*, Albany, Suny Press, New York, 2011.
 - d'Hauterives Arnaud, *Le Sourire dans L'Art*, Discours de Monsieur Arnaud d'Hauterives, Secrétaire perpétuel de l'Académie des Beaux-Arts, pour la Séance publique annuelle du 23, site internet, 2005.
 - Filliozat Pierre-Sylvain, *Le Sourire dans la Littérature Sanscrite et la Statuaire de l'Inde*, Comptes rendus des séances de l'académie des inscriptions et Bells-Lettres, N° 4, Paris, 2009.
 - Filliozat pierre sylvain, *Smile in Indian and khmer art* (lecture), Indira Gandhi National Centre for the Arts, 2012.
 - Filliozat pierre sylvain, michel zink, *Sourires d'Orient et d'Occident*, Paris, 2013.
 - Gourhant Alain, *Psychothérapie Intégrative*, Spas Magazine n°20, Paris, 2007.
 - Pagnol marcel, *Notes Sur le Rire*, Éditeur : Editions de Fallois, Paris, 1990.
 - Regnaud Paul, *La Rhétorique Sanskrite Exposée dans son Développement Historique et ses Rapports avec La Rhétorique Classique*, suivie des textes inédits-de Bharatiya-Natya-Castra (6^e et 7^e chapitres), et de La Rasatarangini de Bhanudatta, Ernest Leroux Editeur, Paris, 1884.
 - Huet Gérard, *Héritage du Sanskrit, Dictionnaire sanskrit-Français*, Paris, 2012.
 - Manmatha nath duttm, *Markandeya Purana*, Edited and published by Manmatha nath Dutt, Calcutta, 1896.
 - Théodoridès A., Naster P., Ries J, *Humour*, Travail et science en orient, Edittons Peeters, Leuven, 1988.
 - Sami Dhamma, *La Vie de Bouddha et de ses Principaux Disciples*, dhammadæna, 2005.
 - Toula-Breysse Jean-Luc, *Les Mots du Bouddhisme*, Actes Sud, Paris musées, 2004.
 - Verpoorten Jean-Marie, *Le Rire de Brahmadata, Roi-Ermite de Kampilya, Humour*, travail et science en orient: sous la direction de Théodoridès A., Naster P., Ries J. éditions Peeters, Leuven, 1988.
 - Zimmer Heinrich, *Philosophies of India*, ed., Joseph Campbell, Pantheon Books, New York, 1953.